

فقط بخند

مارمولک گفت من مارمو من مارم.



مارمولک

مارمولک گفت من مارمو من مارم.

دوستانش هم گفتند مار مار مارمولک به ما نزن هی کلک.

فسقلی

خال خالی گفت بند کفش بابای من خیلی زور دارد.

دوستش پرسید از کجا می دانی؟

فسقلی جواب داد آخه دیروز بند کفشه رفت زیر پای بابام پرتش کرد روی زمین.

سیب

معلم به بچه گفت یک کرم بکش.

دانش آموز سیب کشید.

معلم پرسید چرا سیب کشیدی؟

دانش آموز جواب داد کرمه توی سیب قایم شده خانم

کنار دریا

سوسک کوچولو کنار وان حمام زندگی می کرد، به دوستانش می گفت ویلای ما کنار دریاست.

جوجه

جوجه گفت من دیگه بزرگ شدم بعد هم پرید رفت روی بلندی و گفت جوج جوجو.

درخت

کلاغه به درخت پیر گفت شنیدم که مامان بزرگ شدی اسم نوه ات چیه؟

درخت با خوش حالی گفت اسمش مداده مداد.